

دکتر محمّد حسن ضیاء توانا

شهرام امیرانتخابی

دانشگاه شهید بهشتی

نقش بازارهای روستایی در فرایند شکل‌گیری سازمان فضایی و شبکه‌ی سکونتگاهی

نمونه: شهرستان تالش

چکیده:

سازمان فضایی هر ناحیه، از طریق پویایی شبکه‌ی سکونتگاهی آن تکامل می‌یابد، که البته روند شکل‌گیری شبکه‌ی سکونتگاهی متأثر از محیط طبیعی، ساختار اجتماعی و اقتصادی و رویدادهای سیاسی و تاریخی است. در شهرستان تالش، محیط طبیعی و ساختار اجتماعی و اقتصادی این ناحیه زندگی یکجانشینی به‌ویژه شهر نشینی را به تأخیر انداخته بود. نبود راههای ارتباطی مناسب بین واحدهای انسانی ناحیه، یکی از مهمترین موانع یکپارچگی فضایی ناحیه به‌شمار می‌رفت. به همین دلیل، شبکه‌ی سکونتگاهی نوپای تالش در پیرامون جا ده‌ای شکل گرفته است که در خلال جنگ جهانی دوم احداث شد و سراسر حوزه‌های انسانی ناحیه را در امتداد طولی ناحیه به یکدیگر متصل ساخت. بدین ترتیب، نخستین شهر واقعی ناحیه و به‌دنبال آن بازارهای روستایی در گره‌گاههای این جا ده و حوضه‌ی رودها (که هر یک واحدی انسانی را در خود جای داده بودند) شکل گرفت. بازارهای روستایی با توجه به جمعیت، حوزه‌ی نفوذشان، گسترش یافته و آنهایی که از موقعیت جغرافیایی و کارکرد کارآمدی برخوردار بودند، به شهرهای کوچک تبدیل شدند. در نتیجه نظامی سلسله‌مراتبی از مکان‌های مرکزی به وجود آمد که شبکه سکونتگاهی و سازمان فضایی ناحیه را شکل بخشید. اما از سوی دیگر، تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، به صورت نامتوازنی در حاشیه‌ی جاده‌ی مزبور متمرکز گردید که عدم تعادل فضایی ناحیه را به‌دنبال داره همین علت پیش از تحولات خودجوش آینده، هدایت و برنامه‌ریزی توسعه در مراکز بازاری و روستا-شهرهای ناحیه، امری ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه‌ی روند تحولات شبکه‌ی سکونتگاهی تالش با استفاده از منابع تاریخی و بررسی تحولات اخیر،

از طریق روش‌های میدانی و اطلاعات و داده‌های سازمان‌های محلی به بهترین شکل گویای این واقعیت مکانی و فضایی است.

واژه‌گان کلیدی: سازمان فضایی، بازارهای روستایی، شبکه‌ی سکونتگاهی، نظام سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها، ناحیه‌ی تالش

مبانی نظری بحث

یک ناحیه‌ی جغرافیایی زائیده توزیع و ترکیب سازمان یافته عناصر طبیعی و انسان ساخت در بخشی از سرزمین می‌باشد که ویژگی‌های بومی و بومی‌انگیزی آن در قالب سازمان فضایی انجام می‌پذیرد. سازمان فضایی هر ناحیه، نتیجه‌ی ترتیب سازمان یافته‌ی مجموعه‌های فعالیتهای آنهاست. شیوه‌ی تکامل و نوع پیوندهای این شبکه متأثر از دو عامل اصلی است.

نخستین عوامل جغرافیایی و به تبع آن محیط طبیعی، عنوان بستر اولیه‌ی برپایی که توانمندی‌ها و یا تنگناها، شکل و دامنه‌ی شبکه‌ی سکونتگاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

دوم: سطح فرهنگ و فناوری جوامع انسانی، که میزان بهره‌مندی و یا برخورد آنها را با عوامل نخست مشخص می‌نماید و آن‌گاه با در هم آمیختگی پدیده‌های انسان‌ساخت‌الگوهای سکونتی را دستخوش تحولات می‌کند.

شبکه‌ی سکونتگاهی در چارچوب فرایند و فرم، در نهایت منجر به سازمان فضایی می‌شود که شرایط لازم را برای پاسخگویی به نیازهای اجتماع محلی موزائیک وار به وسیله‌ی فضای طبیعی تدارک دیده شده، فراهم می‌کند. از این‌رو با هر نوع از جامعه در هر مرحله از تحولات تاریخی، اشکالی از سازماندهی فضا به وجود آمده و با آن سازگار می‌شود. با تحلیل و نیز تقسیم‌بندی سازمان فضایی می‌توان، از یکسو به تحلیل نقش عوامل طبیعی در ساختارهای اجتماعی-اقتصادی جامعه و از سوی دیگر به مناسبات سلسله مراتبی میان اجزای تشکیل دهنده‌ی فضا پرداخت (اولیویه دولفوس، ۱۳۷۴: ۲-۱۴۱). پس سازمان فضایی در برگیرنده شماری از گره‌گاههاست که به وسیله‌ی شبکه‌ای از خطوط ارتباطی، با یکدیگر پیوند دارند. کارکردهای اساسی گره‌گاهها بزرگ که بر فعالیت‌های تخصصی غیر کشاورزی و عمدتاً بخش سوم اقتصادی استوار است^(۱) در

برابر گره‌گاههای کوچک روستایی (به منزله‌ی پایین‌ترین سطح از نظام فضایی با فعالیّت‌های کشاورزی) و بالأخره گره‌گاههای بینایی مانند شهرک‌ها و روستا-شهرها الگوی فعالیّتی مختلط پیروی می‌کنند و براساس جابجایی جریان افراد، کالا و خدمات از طریق شبکه‌ی ارتباطی و براساس روش تحلیل جریان‌ها، گره‌گاهها با یکدیگر پیوند می‌یابند. ترتیب، کلیّت نظام فضایی یعنی مجموعه‌ی گره‌گاهها، اتصالات مرتبط با آنها و کنش متقابل از طریق شبکه‌های اتصال، سازمان فضایی را به وجود می‌آورد. از آنجا که نظام هستی همواره در حال تغییر و تحول است، سازمان فضایی نیز با تأثیرپذیری از عواملی چون افزایش جمعیت، ورود سرمایه، بهبودی ارتباطات و گسترش شبکه‌ی ترابری، همواره دستخوش دگرگونی است (اجلالی، ۱۳۶۴: ۵۶-۵۵). بنابراین، سازمان فضایی حاصل تعامل درازمدت جوامع انسانی و ساختار طبیعی نواحی است که روستاها و شهرها عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند. از همین رو، پویایی سازمان فضایی متأثر از نقش‌ها و کارکردهای سکونتگاههای شهری و روستایی و همچنین روابط، مناسبات و پیوندهای بین شهرها و روستاها می‌باشد، که به وسیله‌ی جریان افراد، کالاها، پول‌اطلاعات و الگوهای متشوّع‌شغلی انجام می‌پذیرد (سعیدی، ۱۳۸۴: ۸۴ و ۸۱). جوامع گوناگون با توجه به الگوهای فرهنگی، به تعاملی طولانی با محیط طبیعی پرداخته‌اند و به تدریج شیوه‌های ابتدایی زیست را پشت سر نهاده و اجتماعات سازمان یافته‌ی روستایی را به وجود آورده‌اند. با توسعه‌ی شیوه‌های کشت و افزایش تولید، اجتماعات روستایی به مبادله‌ی اضافه تولید پرداخته‌اند. تداوم این روند به انباشت مازاد تولید روستایی در مکان‌هایی بلوکه‌شده و دسترسی مناسب منجر گردید (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۴) که ابتدا بازارهای روستایی و سپس شهرها را به وجود آوردند.

طرح موضوع:

شهرستان تالش دارای سازمان فضایی و شبکه‌ی سکونتگاهی نوپایی می‌باشد. تا قرون جدید (آغاز عصر صفویه در ایران) شواهد چندانی از زندگی یکجانشینی در این سرزمین به دست نیامده است و ساکنان آن را بیشتر طوایفی دامدار تشکیل می‌دادند که با شیوه‌ی نیمه کوچروی، بیشتر در کوهستان‌ها زندگی می‌کردند. موانع طبیعی و شیوه‌ی تولید معیشتی، پیوندهای اندام‌وار کارآمد و پویایی بین سکونتگاه‌های روستایی برقرار نشده بود. در نتیجه شکل‌گیری یک شهر ناحیه‌ای مسطح و حتی نقاط شهری کوچک در تالش تا نیمه‌ی قرن بیستم به تأخیر افتاد. بازارهای روستایی ساحلی تالش نیز از اوایل سده‌ی نوزدهم شناخته شده‌اند. با احداث جاده‌ی اتزلی -

آستارا در جنگ دوم جهانی که تمام طول تالش را می‌پیمود، مراکز بازاری در گره‌گاههای جاده ایجاد گردیدند و هر کدام به مکان مرکزی واحدهای انسانی شکل گرفته در داخل حوضه رودها تبدیل شدند. مهمترین این بازارها (هشتپر) به نخستین شهر و مرکز شهرستان تبدیل شد. طی نیم قرن هر یک از بازارها با توجه به موقعیت و حوزه نفوذ مستقیم خود به تدریج رشد نموده و سطوح مختلف نظام سلسله مراتبی شبکه‌ی سکونتگاهی ناحیه را شکل بخشیدند. از سوی دیگر، جمعیت فعالیت‌ها و نهادهای شهرستان نیز در حاشیه‌ی جاده‌ی سراسری ناحیه متمرکز گردید. تبدیل مراکز بازاری بزرگتر به نقاط شهری در کمتر از یک دهه‌ی اخیر نیز این روند را تشدید نموده است، به گونه‌ای که ادامه‌ی این روند، با ایجاد یک کریدور شهری، تعادل فضایی ناحیه را بیش از پیش برهم خواهد زد.

مرحله‌ی آغازین برپایی سکونتگاههای انسانی بر بستر محیط طبیعی تالش

شهرستان تالش با وسعتی بالغ بر ۲۲۱۶ کیلومتر مربع، بخشی از منطقه شمال غربی گیلان محسوب می‌شود که از دامنه‌های خزری رشته کوه‌های تالش و جلگه‌های باریک حاشیه‌ی آن در ساحل غربی دریای خزر تشکیل شده است. حدود هشتاد درصد پهنه‌ی این سرزمین در محدوده‌ی کوهستانی قرار گرفته است، که کوهپایه‌ها، پیشکوه‌ها و ارتفاعات میانی آن، از جنگل‌های انبوه خزری پوشیده شده است و ارتفاعات بالاتر را مراتع ییلاقی تشکیل می‌دهند. رودهای متعدّد ناحیه پس از ایجاد مها‌ی ژرفی بر پیکره‌ی کوهستان به جلگه‌ی باریک ساحلی منتهی شده و غالباً با ایجاد دلتا وارد دریا می‌شوند. همین واحدهای ژئومورفولوژیکی (حوضه‌ی رودخانه‌ی اولیه‌ی استقرار واحدهای انسانی تالش بوده‌اند و جماعات نیمه کوچرو و خانوارهای پراکنده جنگل نشین و آبادی‌های کوچک در طبقات مختلف آن استقرار یافته‌اند. البته یافته‌های باستان‌شناسی و اطلاعات تاریخی حاکی از استقرار جمعیت در ارتفاعات بالادست، به ویژه حوضچه‌های رسوبی ارتفاعات ییلاقی همچون مریان و آق اولر می‌باشد (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۱). بتدریج با افزایش جمعیت و خروج از اقتصاد معیشتی، خانوارهای پراکنده‌ای در ارتفاعات جنگلی میانبندی نیز ساکن گردیدند. نخستین سکونتگاههای مبتنی بر زراعت، در خاک‌های آبرفتی مقاطع عیض درّه‌ها و جلگه‌های مجاورشان شکل گرفت که امروزه با حداکثر بهره برداری، کرت‌های شالیزارهای برنج به صورت ایوان بندی شده در کوهپایه‌ها مشرف به درّه‌ها نیز دیده می‌شوند. از دهانه‌ی درّه تا مصب رودها در فاصله اندکی (بین ۱ تا ۵

کیلومتر) نهرهای متعددی از رودها جدا شده و شالیزارهای حواشی رودها را تا ماسه‌های ساحلی آبیاری می‌کنند. بدین ترتیب، ردیفی از حوضه‌ی رودها، خرده نواحی و واحدهای انسانی مجزایی را شکل داده‌اند که حتی تفاوت‌های لهجه‌ای و فرهنگی - قومی ناحیه نیز بر اساس همین واحدها تعریف می‌شود (بازن، ۱۳۶۷: ۶۰۹). آبادی‌های هر واحدهویرت مکانی خود را از رودها به‌دست آورده است، به گونه‌ای که بزرگترین آبادی‌ها، نام رودها را به خود گرفته‌اند. بدین ترتیب، رودهای خاله سرا، ناورود، کرگان‌رود، جوکندان، لیسار، خطبه سرا، شیرآباد، هرندان، حویق، چوبر، پلاسی، لمیر و ویزنه، در دره و دلتای خود، حوزه‌های روستایی را به وجود آورده‌اند که البته تعداد آبادی‌ها و جمعیت روستایی درون هر ناحیه با وسعت و پراکندگی حوضه رودها ارتباط مستقیمی دارند. بدین معنا که حوضه‌های وسیع کرگان‌رود، ناورود، لیسار، حویق و چوبر، که دلتاهای بزرگی را تشکیل داده‌اند، جمعیت تراکم بیشتری دارند.

پیدایش شبکه‌ی سکونتگاهی و مکان‌های مرکزی در تالش

درباره‌ی زندگی اجتماعی و اقتصادی تالش، تا عصر صفویه اطلاعات و اسناد دقیق چندانی در دست نیست و تنها می‌توان نتیجه گرفت که تالش فاقد مرکزیت اداری، سیاسی و اقتصادی بوده و بلوک‌های مختلف آن به وسیله حاکمان محلی نسبتاً مستقلی اداره می‌شد. مؤلف گمنام کتاب «حدود العالم» در سال ۳۷۲ ه. ق به دولاب، کهنرود (کرگان‌رود) و استراب (آستارا) در تالش اشاره می‌کند (حدود العالم: ۱۴۹) از عصر صفویه در راستای سیاست شناخته شده کوچ و جابجایی اقوام طوایف عمدتاً ترک زبان در جلگه‌ی تالش اسکان داده شدند. (بازن، ۱۳۶۷: ۶۱۲ و احمدی ۱۳۸۰: ۱۰) ضمن آن که بومیان تالش نیز از کوهستان‌ها به جلگه روی آوردند و به تدریج روستاهای مبتنی بر کشاورزی (به‌طور عمده کشت برنج) در جلگه استقرار یافتند. اما موانع جغرافیایی ناحیه (تیغه‌های کوهستانی، مانداب‌ها، جنگل‌ها و بیشه‌زارها) ارتباط راه‌ها را محدود ساخته و مانع از یکپارچگی فضایی و برپایی مراکز شهری در تالش گردیده بود حتی جا‌دهای که شاه عباس در سفر جنگی‌اش به قفقاز، از آستارا تا استرآباد احداث نمود. (عبدالفتاح فومنی، ۱۳۴۹: ۲۰۲) و نادرشاه افشار به هنگام لشکرکشی به تالش، بازسازی کرد (معروف به جا‌ده نادری) نیز به دلیل شرایط طبیعی و اقلیمی ناحیه و عدم تعمیر و نگهداری مدتی بعد از بین رفته‌اند (خودزکو، ۱۳۵۴: ۵۵).

در چنین شرایطی، اقتصادی معیشتی روستاهای کوچک و پراکنده تالش از مازاد تولید چندانی برخوردار نبودند تا با انباشت و تبادل آن موجب برپایی مراکز شهری شوند. همچنین وجود بلوک‌های متعدد قدرت و خفقان قدرت مرکزی مسلط، بقدان امنیت اجتماعی برای انباشت ثروت و روابط محدودگسیخته و نامنظم اقتصادی با جهان خارج منجر شده بود. باین حال، بازارهای آلالان، کرگان‌رود، دیره کری، لیسار و حویق در دلتای رودهای بزرگ تالش شکل گرفتند، که اضافه تولید روستاهای ناحیه را به بنادر قفقاز و روسیه (به‌ویژه باکو و لنکران) صادر نموده و کالاهای مورد نیاز را از روسیه وارد می‌کردند. در قرن نوزدهم روس‌ها، نمک، قند، پارچه‌های کتانی، کنف، تورهای صیدحیوانات، کتاب و غیره به این بازارها وارد نموده و صادرات بازارهای تالش به روسیه چوب، ذغال چوب، موم، برنج، عسل، ابریشم و مواد غذایی بود (راینو، ۱۳۵۷: ۱۰۰). پس از دوره‌ی ول جنگ‌های ایران و روسیه و انعقاد قرارداد گلستان (۱۸۱۳) که نیمه‌ی شمالی سرزمین تالش به روسیه واگذار گردید، دولت تالش جنوبی را به پنج بلوک خان نشین تقسیم نمود. هدف اصلی سازماندهی این بلوک‌های موزاییکی کوچک، کنترل مازاد اقتصادی روستاهایی بود که در سطح جلگه به صورت یکپارچه و بدون گسیختگی فضایی توزیع شده بودند، زیرا کنترل این تولید پراکنده و جذب مازاد آن مستلزم انطباق الگوی توزیع قدرت با آن بود. (عظیمی، ۱۳۸۱: ۵۱).

تحولات سیاسی کشور در نیمه‌ی اول سده‌ی بیستم میلادی، نخست بر نقش و اهمیت بازارهای ساحلی تالش افزود اما آندک زمانی بعد، به رکود و زوال این بازارها انجامید. بدین صورت که اثر تحولات سیاسی ناشی از انقلاب مشروطه (۱۲۸۸ خورشیدی) نظام خانان از تالش برچیده شد و نقش سیاسی و اداری رخنات در کوهپایه‌ها نیز به بازارهای ساحلی منتقل گردید. طی سه دهه (از انقلاب مشروطه تا جنگ دوم جهانی) دوبرندر سفارود و کرگان‌رود علاوه بر مرکزیت تجاری به مراکز اداری تالش نیز تبدیل شدند. اما تغییرات سیاسی بین دو جنگ جهانی در دوسوی مرز (ایران و روسیه) اثرات تعیین‌کننده‌ای بر نظام سکونتگاهی و شهری تالش بر جای گذاشت. بدین ترتیب که:

۱. با انقلاب کمونیستی در روسیه (۱۹۱۷) و استقرار کامل نظام شوراهای در قفقاز (۱۹۲۲) روسیه، نفوذ سیاسی و برتری تجاری خود را در شمال ایران از دست داد و در نتیجه از حجم روابط بازرگانی بنادر تالش با قفقاز و روسیه کاسته شد (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۱۰۰ و ۹۹). اما پشتیبانی دولت شوروی از تجزیه طلبان آذربایجان (۴۶-۱۹۴۵) و اواخر اشغال ایران که تالش را نیز به تصرف درآورده بودند، موجب شد تا پس از رفع این غایله روابط

تجاری بنادر ایرانی دریای خزر با دولت شوروی به کلی قطع شود و در نتیجه بنادر کوچک تالش کاهم لاً رو به افول بگذارند (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۹).

۲. در ایران با روی کار آمدن حکومت پهلوی و استقرار نظام متمرکز اداری در کشور، استقلال نسبی بنادر تالش بخاطر پیوند با اقتصاد ملی تقریباً از دست رفت. ضمن آن که در اوایل حکومت پهلوی، دولت درصدد برآمد تا با احیای جا دهی نادری مراکز قدیمی حکومت در تالش را احیا کند. بدین منظور در سال‌های پیش از جنگ جهانی یک شرکت آلمانی مؤرخه احداث این جا دهی گردیلینکن با تهاجم نیروهای متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی و اشغال شمال ایران به وسیله ارتش شوروی، این طرح ناتمام مانده بلافاصله خود روس‌ها برای تسهیل و تقویت خطوط ارتباطی بین جنوب و شمال ایران جهت پشتیبانی نیروهای متفقین از جبهه‌های جنگ آلمان و روسیه، به سرعت دست بمطدات همین جا دهی زدند. بدین ترتیب که تا پایان جنگ جهانی دوم، سکونتگاهی و سازمان فضایی تالش اثرات تعیین کننده داشت. بدین ترتیب که تا پایان جنگ جهانی دوم، بازارهای ساحلی (کرگان‌رود، آلالان، حویق و لیسار) و ادارات و سازمان‌های اداری آنها به کنار این جاده جابجا گردیدند. جاده سراسری جدید از محل بنادر قدیمی و دریا فاصله گرفته و از حاشیه‌ی کوهپایه‌ای جلگه عبور نمود. بدین ترتیب از آستارا تا انزلی شبکه شهری به صورت خطی در امتداد جاده شکل گرفته است که تقریباً هیچ شهری در خارج از مسیر جا دهی وجود ندارد، حتی شهرهای قدیمی واقع در ساحل همانند بازار کرگان‌رود و یا بازارهای اسالم، سفارود و حویق همگی پس از احداث جاده مزبور متروکه شده و با یک عقب نشینی هم‌زمان با هم به سمت پایکوه در محل کنونی خود پا گرفتند (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۹۱).

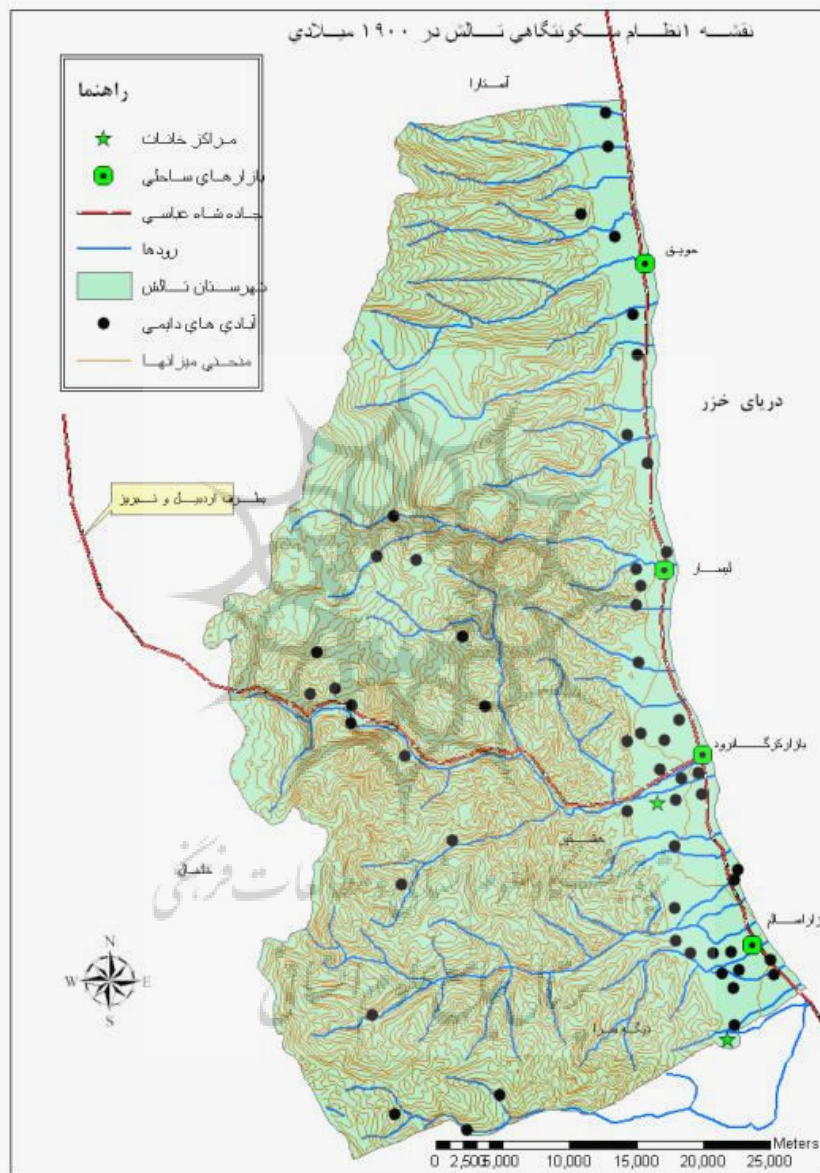
برپایی نخستین شهر و بازارهای روستایی در گره‌گاههای جلگه‌ی تالش

مهمترین پیامد مکانی - فضایی احداث جاده سراسری ناحیه، انتقال بازار کرگان‌رود به هشپیر و شکل‌گیری نخستین شهر تالش می‌باشد. پس از انتقال بازار، ادارات و ساکنان کرگان‌رود به هشپیر، مرکز اداری تالش نیز به این مکان منتقل گردید. در نتیجه، برای نخستین بار مرکز اداری و اقتصادی ناحیه در یک مکان ادغام گردید. با این حال هشپیر تا سال ۱۳۳۰ هنوز یک نقطه شهری محسوب نمی‌شد. فرهنگ جغرافیایی کشور در سال ۱۳۲۸ این آبادی را این چنین تعریف می‌کند.

«...قصبه هشتیر، مرکز فعلی شهرستان طوالش... بیش از پانزده سال نیست که احداث گردیده. بلا مرکز ادارات کشوری مانند فرمانداری، دارایی، ژاندارمری، شهربانی، بهداشتی، ثبت اسناد و سایر ادارات است. بیمارستان ۲۵ تختخوابی دارد و دبستان دولتی در شرف بناست و ۳۰۰ باب دکاکین در طرفین جا ده قرار دارد که روز به روز به اهمیت آن افزوده می‌شود. سکنه‌ی فعلی آن در حدود ۲۰۰۰ تن است.» (فرهنگ جغرافیایی ایران، استان یکم، ستاد ارتش: ۱۳۲۸)

در دهه‌های بعدی این شهر با جذب مهاجرین شهرستان‌های مجاور به سرعت افزایش جمعیت یافت و از لحاظ فیزیکی و کالبدی نیز گسترش یافت. هم‌زمان با فرایند جابجایی بازارهای ساحلی به حاشیه‌ی جا ده‌ی جدید، در تمام مکان‌هایی که جا مکرر دهانه‌ی رودها را قطع می‌نمود، به‌طور طبیعی گره‌های پدید آمد که در آنها ردیفی از بازارهای روستایی شکل گرفت. در نتیجه، بیشتر جمعیت، فعالیت‌های خدماتی، تجاری و تاح‌های صنعتی در حاشیه‌ی جا مکرر متمرکز گردید و موجب شد تا سکونتگاه‌های تالش از داخل حوضه‌های آبریز و کرانه‌ی خزری به محور جاده‌ی سراسری میانه‌ی جلگه منتقل گردد (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۹۱). آبادی‌های حوضه‌ی رودها (از کوهستان تا دریا) با دسترسی به بازارهایی که در گره‌ها برپا گردیده‌اند. از این طریق جا ده سراسری به دیگر مراکز روستایی و شهری منطقه پیوند برقرار می‌کنند. بدین ترتیب، گره‌ها با به‌بود آوردن اهمیت ارتباطی ویژه، به مکان مرکزی حوضه‌های روستایی تبدیل شدند.

در نیمه‌ی جنوبی ناحیه (از اسالم تا خطبه سرا) که جلگه عریض تر است، بازارهای روستایی، در بخش میانی جلگه استقرار یافته‌اند به گونه‌ای که فضای جلگه را به دو بخش ساحلی (از جاده تا دریا) و کوهپایه‌ای (از جاده تا کوهستان) تقسیم نموده‌اند. همین علت آبادی‌های بیشتری در دوسوی آنها شکل گرفته است. در حالی که در نیمه شمالی (از کشتلی تا ویزنه) با کوچک‌تر شدن حوضه‌ی رودها و باریک‌تر شدن جلگه‌ی سراسری به دریا نزدیک‌تر شده و به تبع آن، مکان استقرار بازارها به انتهای حوضه‌ی رودها و حاشیه‌ی شرقی جلگه گرایش می‌یابد و تمام جمعیت روستایی در سمت غرب بازار (از جاده تا کوهستان) استقرار یافته است. به همین علت بازارهای نیمه جنوبی بزرگتر و پر رونق‌تر هستند. (ن. ک جدول ۱)



جدول ۱. مشخصات و تحولات بازارهای روستایی شکل گرفته در حوضه‌ی رودهای تالش

حوزه روستایی	مساحت حوضه / کیلومتر مربع	سطح زیر کشت هکتار	تعداد آبادی حوضه	جمعیت بازار روستایی			جمعیت دیگر آبادی‌های حوزه			رشد سالانه ۷۵-۴۵	رشد سالانه ۸۵-۷۵
				۱۳۴۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۴۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵		
ویزنه	۱۳/۴۶	۲۸۰/۹۵	۷	۹۳۴	۱۸۸۵	۲۲۹۰	۷۷۵	۱۶۵۱	۱۸۹۸	۵/۳	۱/۸
لمیر	۸۷/۷۵	۲۴۱/۸۵	۲۴	۲۳۲	۶۲۶	۶۶۳	۲۲۹۶	۲۲۷۰	۴۳۵۲	۳/۵	۰/۵
خلج لر	۱۶/۶۵	۳۱۸	۲	۱۱۷	۳۲۷	۵۴۱	۳۲۲	۷۵۸	۹۱۸	۳/۶	۴/۶
چوبر	۷۹/۸۳	۴۳۵/۹۵	۲۲	۴۸۴	۱۱۱۹	۱۵۹۵	۳۲۵۷	۵۴۷۴	۴۹۹۸	۲/۹	۳/۲
حویق	۱۳۱/۲۱	۴۸۳/۰۷	۱۹	۳۷۸	۸۰۶	۱۱۴۶	۱۴۲۳	۱۸۹۹	۶۱۸۲	۲/۶	۳/۲
هرندان	۱۸/۲۶	۲۶۶/۱۷	۴	۶۶۷	۱۷۹۴	۱۵۷۱	۴۳۷	۵۹۳	۷۴۸	۳/۵	-۱/۲
شیرآباد	۱۲۵/۵۶	۳۶۷	۵	۸۰	۵۳۵	۳۹۶	۱۱۶۴	۲۱۷۰	۲۴۳۴	۷	-۲/۷
خطبه سرا	۱۲۸/۷۴	۵۴۳/۳	۲۳	۳۷۵	۸۰۸	۹۹۰	۳۷۹۵	۶۸۱۹	۷۸۴۹	۲/۷	۱/۸
لیسار	۲۱۸/۸۴	۱۵۳۰	۳۷	۳۷۰	۱۳۰۵	۸۹۱۷	۶۸۶۱	۱۱۲۴۶	۱۰۲۰۳	۴/۵	۱۸/۹
جوکنلان	۴۹/۱۶	۵۳۲/۲	۱۳	۳۲۴	۱۱۰۸	۲۲۳۱	۳۹۳۳	۶۸۱۹۲	۵۶۶۵	۴/۴	۶/۵
بازاراسالم			۱۵	۵۱۳	۲۱۶۹	۳۵۳۶	۴۳۷۱	۸۹۵۱	۱۲۲۲۸	۴/۶	۴/۵
ناوپاین	۲۸۷/۱	۲۶۳۳/۹	۳۴	۲۲۱	۹۶۷	۲۲۸۹	۳۱۵۱	۷۳۱۰	۷۵۹۲	۴/۷	۸
خلیف آباد			۱۷	۱۸۵	۳۴۰۲	۴۸۱۶	۲۹۴۰	۵۶۸۱	۶۹۲۸	۱۰	۳/۲
خاله سرا	۸۹/۶۴	۸۹/۴	۶	۱۲۲۷	۲۴۴۲	۳۳۰۵	۱۰۱۶	۲۴۴۶	۳۱۴۳	۵/۳	-۰/۵

مأخذ: داده‌های اداری آبیاری تالش و سازمان جهاد کشاورزی تالش در ۱۳۸۴

شکل‌گیری مراکز خرده نواحی و مراکز محلی از بازارهای روستایی

بازارهای روستایی با توجه به جمعیت و وسعت حوزه‌ی نفوذشان، از سطوح کارکردی متفاوتی برخوردارند. به طور طبیعی، بازارهای حوضه‌های بزرگتر به سرعت توسعه یافته‌اند. به گونه‌ای که براساس داده‌های فرهنگ جغرافیایی کشور، به سال ۱۳۲۸، اسالم، لیسار و حویق به ترتیب ۱۵۰، ۱۰۰ و ۸۰ دکان وجود داشته‌اند.^(۲) که اکنون به بیش از ۳۰۰ واحد در هر یک از آنها افزایش یافته است، در حالی که در برخی بازارهای کوچکتر، اکنون نیز بیش از ۵۰ دکان به فعالیت نمی‌پردازند. از همین رو در دهه‌ی ۱۳۵۰ خورشیدی

نظامی سلسله مراتبی تالش، پس از مرکز شهرستان، به لحاظ اندازه و کارکرد از دو سطح بازارهای روستایی تشکیل شده بود:

الف) مراکز محلی: این مراکز نیازهای ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ تن را برآورده می‌کند و در آنها بین ۱۰ تا ۶۰ مغازه به شرح زیر وجود دارد.

• قهوه خانه و یکی دو آرایشگاه؛

• تجارت مواد غذایی: شامل بقالی‌ها، قصابی‌ها و نانوايي‌ها؛

• تجارت مواد غیر غذایی: شامل پارچه فروشی‌ها، کفاشی‌ها، ابزار و آلات فروشی‌ها؛

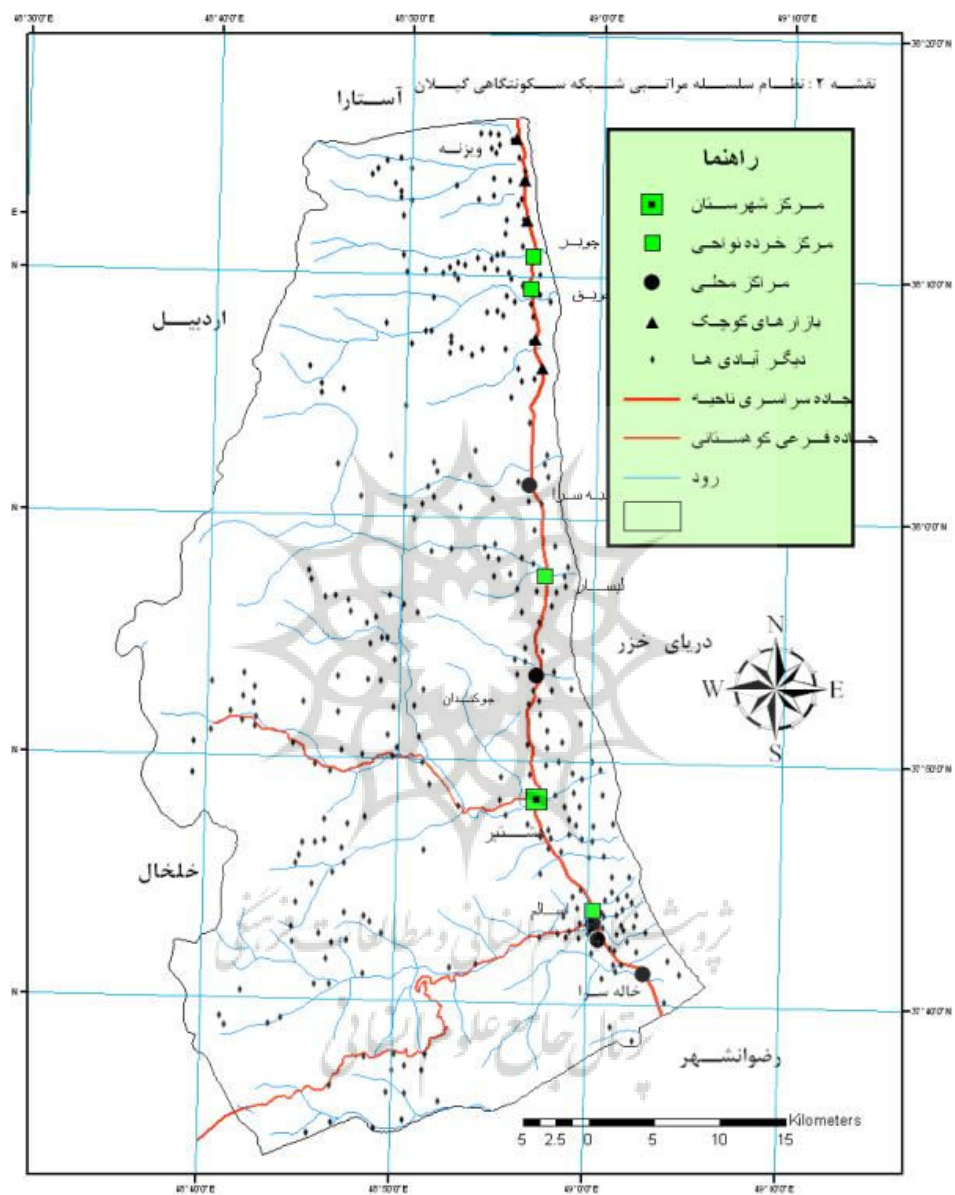
• احتما ليکک يا دود لآ متخصّص صّ خريد و فروش برنج (الآف).

صنعت گران: شامل درودگران، آهنگران و یا تعمیرکاران دوچرخه و موتورسیکلت، راج، خیاط و به‌ندرت سفالگر و یا سبد باف. در این مراکز چندین خدمت عمومی نیز یافت می‌شود، ولی تعداد آنها در هر مرکز به‌ندرت از دو یا سه مورد بیشتر می‌شود.

بافت داخلی این مراکز بسیار ساده بوده، دکان‌ها و قسمتی از بناهای عمومی ساختمان‌های ابتدایی هستند که به‌صورت مستطیل‌هایی یکپارچه، به‌صورت خطی و در دو سوی خیابان اصلی در کنار هم ردیف شده بودند. ساختمان‌های صنعتی (برنجکوبی و کشتارگاه) در حاشیه‌ی بازار و اندکی عقب‌تر از ردیف مغازه‌ها قرار دارند.

ب) مراکز خرده نواحی: مراکز تجارتي دایمی اسالم، خاله سرای پنجاه و هفت، لیسار، خطبه سرا و حویق که نیازهای ۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ تن را برآورد می‌کنند. در این مراکز فعالیت‌های تجاری غنی‌تر و خدمات عمومی کامل‌تر است. بیشتر تجارت‌خانه‌ها همان نوع مراکز محلی هستند، ولی تعداد آنها بیشتر و در ضمن برخی از مغازه‌ها صنعتگران تخصصی‌تری نیز به آنها افزوده می‌شوند، مانند؛ داروخانه، خشک‌شویی، بستنی‌فروشی، فروشندگان و تعمیرکاران رادیو، مشاغل مربوط به اتومبیل و غیره. نحوه‌ی استقرار مغازه‌ها در این مراکز نیز خطی است. ساختمان‌های عمومی این بازارها عبارت‌اند از: ژاندارمری‌بهداری و مدارس ابتدایی و متوسطه، دفتر اداره جنگلبانی (بازن، ۱۳۶۷: ۵۷۶-۵۸۵).

طی سه دهه‌ی اخیر کارکردهای تجاری، خدماتی مراکز خرده نواحی افزایش قابل توجهی یافته و به برتری بیشتر آنها بر مراکز محلی منجر گردیده است. (نقشه ۲)



در بازارهای بزرگتر مراکز خرده نواحی، انواع خرده‌فروشی‌ها، فروشگاه‌های دادوستد برنج، تأمین نهاده‌های کشاورزی، خدمات و تعمیرات انواع خودرو و نیز خدمات آموزشی (در سطح دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) و بهداشتی و درمانی (پزشک عمومی خانه بهداشت و درمانگاه) گسترش یافته است تا جایی که تمرکز تدریجی فعالیّت‌ها و خدمات تجاری، آموزشی و اداری بیشتر در بازارهای روستایی، آنها را عملاً به روستاشهر تبدیل نموده است. رانندگی و رانندگی چنین سازمان فضایی را از ویژگی‌های کشورهای درحال توسعه می‌داند که به‌جای وجود شهرهای بازاری پراکنده که پیونددهنده‌ی مراکز شهری و روستایی باشند، ماهیّت اقتصاد روستایی کشورهای درحال توسعه باعث شده تا در آنها بازاری به اندازه‌ی کافی بزرگ برای تجاری کردن کشاورزی شکل‌نگیرند و شبکه‌ی تولید و مبادله‌ی صنعتی نیز ایجاد نشوند، چرا که جمعیت اندک ساکن در آبادی‌های پراکنده، زمینه را برای تمرکز کافی جهت ایجاد بازارهای دائمی نهادینه شده و یا تشویق تولیدات بیشتر کشاورزی فراهم نیاورند. در نتیجه شرایطی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دلیلی موجب نداشتن تخصص و تقسیم کار اتفاق نمی‌افتد و فرصت برای گسترش بازارها و اشتغال غیر کشاورزی نیز بسیار اندک می‌شود (خراط زیر دست، ۱۳۷۸: ۲۷). اما پیدایش بازارهای متعدد تالش تنها در این قالب توجیه نمی‌شوند. چرا که جوانه زدن بازارهای محلی در حوزه‌های روستایی گوناگون تالش چه در گذشته به صورت بنادر کوچک ساحلی و چه بصورت بازارهای روستایی کنار جا ده نتیجه قهری ویژگی‌های مکانی و طبیعی ناحیه است. ضمن آن که، کارکرد بین‌راهی بازارهای روستایی تالش نیز در برپایی و پویایی آنها مؤثر بوده است. به عبارت دیگر، این بازارها برای کارکردهای تجاری و خدماتی خود تنها به روستایان حوزه‌ی نفوذشان وابسته نیستند، بلکه ارزش آستانه برخی از فعالیّت‌های آنان (مانند خدمات تعمیرگاهی و پذیرایی) با تکیه بر مشتریان بین‌شهری جاده پا گرفته و دوام یافته است و تکیه بر واحدهای تجاری و خدماتی حاشیه‌ی جاده در بازارهای روستایی و دیگر آبادی‌های حاشیه‌ی جاده، حاکی از کارکرد خدمات بین‌راهی این سکونتگاه‌ها در حاشیه‌ی جاده است، که جریان کالا و مسافر از آستارا، شهرهای استان اردبیل و جمهوری آذربایجان به داخل کشور از طریق آن انجام می‌پذیرد. این جریان به‌ویژه در تابستان به توسعه‌ی بیش از پیش فعالیّت‌های بخش خدمات در حاشیه‌ی جاده منجر شده است. داده‌های جدول ۲ با نمایش نسبت واحدهای تجاری به خانوارهای تابع هر بازار، نشان می‌دهد که واحدهای تجاری و خدماتی مستقر در بازارها برای تأمین ارزش آستانه‌ی کالاها و خدمات خود تنها بر مشتریان حوزه‌ی نفوذ متکی نیستند، بلکه بر مشتریان بین‌شهری نیز اتکاء دارند.

جدول ۲. نسبت بین واحدهای تجاری به خانوارها را در آبادی‌های بازاری تالش

نام بازار	تعداد خانوارهای داخل بازار	تعداد خانوارهای آبادی‌های حوزه نفوذ	تعداد واحدهای تجاری	سرانه واحد تجاری به خانوار
ویز نه	۵۰۵	۱۰۰۹	۴۵	۲۲
لمیر	۱۳۳	۷۴۱	۳۰	۲۴/۷
خلج لر (پلاسی)	۱۱۱	۲۹۰	۱۸	۱۶
چوبر	۳۹۴	۱۷۴۷	۱۱۸	۱۴/۸
حویق	۲۴۶	۱۴۳۲	۱۴۳	۱۰
هرندان	۳۳۶	۴۸۷	۵۷	۸/۵
شیرآباد	۹۰	۶۲۹	۸۱	۷/۷
کشلی	۶۱۴	۶۱۴	۴۱	۱۵
خطبه سرا	۲۲۰	۲۰۸۹	۱۶۷	۱۲/۵
لیسار	۱۸۹۰	۴۱۶۸	۳۸۵	۱۰/۸
جوکنده	۴۵۲	۱۸۴۵	۶۲	۲۹/۷
اسالم	۲۶۸۳	۷۲۷۶	۵۵۸	۱۳
خاله سرا	۶۸۹	۱۹۰۰	۳۵	۵/۶

مأخذ: گزارش عملکرد سالانه شورای اصناف شهرستان تالش ۱۳۸۴

بنابراین، به لحاظ کارکردی بازارهای روستایی را در نظام سلسله مراتبی مکان‌های مرکزی ناحیه می‌توان به سه سطح تقسیم نمود.

- مراکز خرده نواحی: بازارهایی هستند که به روستا شهرت تبدیل شده و امروزه با گسترش نظام اداری، مراکز بخشداری‌ها در آنها استقرار یافته است و سپس به‌طور رسمی به نقاط شهری تبدیل شده‌اند. که عبارت‌اند از: اسالم، لیسار، حویق و چوبر و معادل مراکز منظومه‌ها هستند.
- مراکز محلی: که بازارهای روستایی حوضه‌های کوچکتراند و خود بازارها و روستاهای حوزه نفوذشان برای سطح بالاتری از خدمات به روستا شهرها وابسته‌اند. این مراکز عبارت‌اند از خاله سرا در اسالم،

خطبه‌سرا در لیسار، و جوکندان در بخش مرکزی که معادل مراکز دهستان‌های مجموعه‌های روستایی‌اند.

• بازارهای کوچک: که در گره‌گاه رودهای کوچک ناحیه شکل گرفته‌اند و تنها بر آبادی‌های یک حوضه رودخانه مرکزیّت دارند و در نظام سلسله مراتبی برابر با حوزه‌های روستایی هستند که عبارت‌اند از ویزنه، لمیر، خلج‌لر، شیرآباد، هرن‌دان.

تبدیل بازارهای روستایی به شهر و پیامدهای آن

مراکز خرده نواحی با پیوند بازارهای کوچکتر و حوزه‌های روستایی به مرکز شهرستان نقش مهمی را در شبکه‌ی سکونتگاهی بر عهده گرفته‌اند. این بازارها بجزند جمعیت از روستاهای حوزه‌ی نفوذ و حتی شهرستان‌های مجاور، به تدریج بر کارکردهای تجاری، خدماتی، اداری و حتی صنعتی خود افزوده‌اند. بنابراین، تقویت و توسعه‌ی نقش و کارکردهای آنها، کلید توسعه‌ی ناحیه و عامل تکامل و بلوغ شبکه سکونتگاهی ناحیه به‌شمار می‌آید. از این رو، همسو با مطالبات مردم محلی، دولت نیز به تبدیل بازارهای روستایی به شهر گرایش نشان داده است و به ترتیب زیر چهار شهر کوچک را در شهرستان تالش ایجاد نموده است.

۱. اسالم: هسته‌ی اصلی شهر اسالم از ترکیب آبادی‌های بازار اسالم، ناوپایین و خلیف آباد تشکیل شده است که بخش‌هایی از روستاهای پیرامونی نیز در طرح هادی جدید جزو محدوده‌ی شهر منظور شده‌اند؛
۲. حویق: از ترکیب آبادی‌های بورمه سرا، صولی محله، صیدگاه حویق (بهشتی محله)، اوتار محله و باغشلو محله و ریک محله؛

۳. لیسار: این شهر نخست در محدوده‌ی روستای لیسار تعریف شد اما بعداً بخش‌هایی از روستاهای نمازی محله، سیدلر، قلعه بین و اوتار نیز در محدوده‌ی شهر واقع شده‌اند؛

۴. چوبر: که در بهار سال ۱۳۸۴ به شهر تبدیل و از محدوده‌ی روستاهای چوبر، حاج یداله محله، لککه محله، خلخالیان مسجد قباقی و بالامحله تشکیل شده است.

تأسیس رسمی این شهرها، پیامدهای مکانی-فضایی و کالبدی مهم و تعیین‌کننده‌ای بر شبکه‌ی سکونتگاهی و چشم‌انداز ناحیه نهاده است. اهمیت و رونق این بازارها موجب گرایش روزافزون جمعیت ناحیه به محدوده‌ی جلگه‌ای و استقرار در آبادی‌ها حاشیه جا ده شده است. به گونه‌ای که امروزه کوهستان‌ها

دارای جمعیت بسیار اندکی است و جلگه‌ها علی‌غم باریکی و محدودیت فیزیکی شان ۹۵٪ جمعیت شهرستان را در خود جای داده‌اند. برپایی روستا شهرها، از طریق توسعه‌ی خدمات اقتصادی و بر عهده گرفتن بخشی از کارکردها و نقش‌های شهری، می‌تواند خلأ موجود ناشی از دوری مراکز شهری را در ناحیه جبران نماید. پراکنندگی فضایی این روستا شهرها دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. شهرهای اسالم و لیسار در جنوب و شمال هشتپر، به دلیل نزدیکی به مرکز شهرستان و بالطبع بازار بزرگتر و خدمات اداری، مالی و تجاری برتر این شهر و پیشینه طولانی وابستگی به آن عملاً توانایی رقابت را ندارند. اما هر دو آنها در امتداد جاده به شکل طولی گسترش یافته‌اند. به گونه‌ای که بیشتر روستاهای بخش اسالم به شهر اسالم و دهستان لیسار به شهر لیسار منتهی می‌شوند.

۲. شهرهای حویق و چوبر که در مجاورت یکدیگر واقع شده‌اند، فاصله‌ی بیشتری با مرکز شهرستان (۴۰ تا ۴۳ کیلومتر دارند) حویق به عنوان مرکز بخش از اهمیت اداری بیشتری برخوردار است. این شهرها و حوزه نفوذ آنها به شهر آستارا نزدیکتر بوده و به بازار این شهر مراجعه می‌کنند و بیشتر برای مراجعات اداری به مرکز شهرستان تالش مراجعه می‌کنند. از این رو، توسعه‌ی شهرهای بالانش مهمی را در خدمات‌رسانی و توسعه‌ی فضایی منتهی الیه شمالی شهرستان ایفاء خواهد نمود و خلأ بین مراکز شهرستان‌ها را پر می‌کند. بنابراین با تبدیل بازارهای روستایی بزرگتر به شهر، ضمن تقویت نقش آنها، سطح دوم مکان‌های مرکزی شهرستان به دو بخش تقسیم شده است، بدین ترتیب که:

الف) در بخش اسالم که از چهار بازار روستایی نزدیک به هم بازار اسالم، نوابین، خلیف آباد و خاله سرای پنجاه و هفت تشکیل شده بود، سه بازار اسالم، نوابین و خلیف آباد که در امتداد جاده به یکدیگر پیوسته بودند، یکپارچه شده و شهر اسالم را تشکیل داده‌اند که در سطح دوم نظام سلسله مراتب سکونتگاهی شهرستان قرار گرفته است. به عبارت دیگر یک نقطه‌ی شهری جایگزین سه گره‌گاه و بازار گردیده است و بازار خاله سرای پنجاه و هفت در نقش بازارهای کوچک به عنوان مرکز دهستان در مرتبه‌ی سوم قرار گرفت و روستاهای جنوب حوضه‌ی رودخانه‌ی خاله سرا را به شهر اسالم (مرکز بخش) مرکز شهرستان متصل می‌سازد. در کوهپایه‌های غرب نیز روستای بزرگ و پرجمعیت خر جگیل به عنوان مرکز دهستان روستاهای این محدوده را به شهر اسالم پیوند می‌دهد.

ب) در بخش کرگان‌رود (لیسار) شهرلیسار نیز در سطح دوم قرار گرفته و بازار خطبه سرا در سطح سوم قرار می‌گیرد. که روستاهای حوضه‌ی رودخانه خطبه سرا به‌طور مستقیم به آن می‌پیوندند و برای کارهای اداری به بخش‌داری و ادارت شهر لیسار مراجعه می‌کنند.

پ) در بخش حویق: دو شهر حویق و چوبر در میانه این بخش تشکیل شده است. بدین ترتیب حویق به عنوان مرکز بخش در سطح دوم قرار می‌گیرد. چوبر در جایگاه سوم قرار می‌گیرد و بازارهای کوچکتر شیرآباد و هرنندان در سطح پایین تر از حویق و بازارهای لمیر، پلاسی و ویزنه در سطح چهارم پس از چوبر و حویق قرار می‌گیرند و بقیه‌ی آبادی‌ها در حوزه‌ی نفوذ آنها واقع شده‌اند. پیچیدگی نظام سلسله مراتبی در این بخش ناشی از شکل باریکتر ناحیه و تفکیک و هویت‌یابی بیشتر روستاها در درون حوضه‌های رودخانه‌ای است که در اسالم به‌خاطر عرض بیشتر جلگه و همگنی و نزدیکی بیشتر فرهنگی و فضایی اسالم مراکز سکونت‌گاهی عمده آن، در هم ادغام شده‌اند.

نظام سلسله مراتبی مراکز سکونتگاهی تالش پس از تبدیل بازارهای روستایی به شهرها

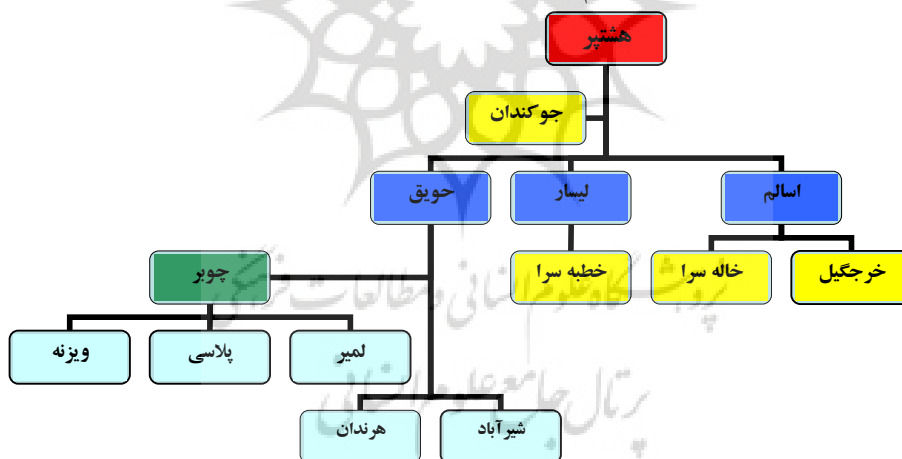
روند تحولات شهرهای جدید تالش دو سناریو را می‌تواند به‌دنبال داشته باشد. نخست؛ روندی که همه‌ی فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را در جهت همانندسازی مورفولوژی این شهرها به سیمای شهری شناخته شده دارد. در این چارچوب فضاهای متخلخل شهر (شامل باغ‌ها، شالیزارها و اراضی بایر) هر چه سریع‌تر به کاربری‌های جدید مسکونی، تجاری، اداری و غیره تبدیل خواهند شد و با احداث خیابان‌ها و تأسیسات شهری، چهره شهری به این مکان‌ها داده می‌شود. سناریوی دوم؛ مبتنی بر نگاهی تازه بر شهرهای کوچک در حوزه‌های روستایی است که بدون دغدغه همسان شدن مورفولوژی آنها با دیگر شهرها، مصالحه‌ای بین چشم‌اندازهای طبیعی روستاها و اراضی حاصلخیز کشاورزی و کارکردهای سودمند شهری ایجاد می‌کند. بنابراین پیش از آن که ساخت و سازهای بی‌رویه شهری تمام محدوده‌ی وسیع و کم‌تراکم این شهرها را اشغال نماید، می‌توان تعریف متفاوتی از این گونه شهرها ارائه نمود و آنها را در قالب باغ‌شهرهایی با کارکردهای تولیدی، خدماتی و گردشگری به رسمیت شناخت. چرا که سه کارکرد مهم به‌طور توأمان در آنها مشاهده می‌شود.

۱. نقش تجاری، اداری و خدماتی؛ در بازارهای حاشیه‌حاجا ده سراسری که به ارائه کارکردهای زیر

می‌پردازد:

- الف) بازار عرضه محصولات کشاورزی (به‌ویژه برنج) و تأمین نهاده‌های تولید؛
- ب) تأمین نیازهای روزمره روستائیان به‌وسیله‌ی خرده‌فروشی‌ها، تعمیرگاه‌ها و سایر واحدهای تجاری که البته پاسخگوی مشتریان بین‌راهی جاده‌ی اصلی اردبیل، آستارا، تهران نیز هستند؛
- پ) خدمات صنعتی فراوری محصولات کشاورزی، مانند برنج‌کوبی و کارگاه‌های صنایع چوب؛
- ت) محل استقرار خدمات آموزشی، بهداشتی-درمانی، مالی-اعتباری و اداری-انتظامی.
۲. کشت-شهر: اراضی کشاورزی به‌ویژه شالیزارها بخش عمده‌ای از چشم‌انداز شهرهای تازه تأسیس و روستاهای پیرامون را تشکیل می‌دهند که حاکی از برتری و اهمیت فعالیت‌های بخش کشاورزی (به‌ویژه کشت برنج) می‌باشد.
۳. چشم‌انداز باغ‌شهریافت پراکنده و متخلخل محل‌های مسکونی، در میان باغ‌های مثمر و غیر مثمر، جنگل‌ها و بوته‌زارهای ساحلی از کوهپایه تا دریا گسترده شده و شهر مزبور را به لحاظ مورفولوژی تبدیل به باغ‌شهری نموده است.

نمودار: نظام سلسله‌مراتبی مکان‌های مرکزی تالش



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بطور کلی شکل‌گیری سازمان فضایی و نظام سکونت‌گاهی ناحیه‌ی تالش تحت تأثیر ویژگی‌های طبیعی و روندهای سیاسی و اقتصادی-اجتماعی هر محل زیر شکل گرفته و تکامل یافته است:

۱. مرحله‌ی استقرار طبیعی سکونتگاه‌های انسانی: از گذشته‌های دور تا قرون معاصر، اهالی تالش بیشتر به زندگی کوه‌نشینی و نیمه‌کوچروی در داخل حوضه‌ی رودها پرداخته‌اند و مهمترین آبادی‌ها در ارتفاعات ییلاقی برپاگردیده بود. به تدریج آبادی‌ها و مسکن پراکنده‌ای نیز در جنگل‌های کوهستان‌های میانی و مشرف به دره رودها استقرار یافت؛

۲. شکل‌گیری آبادی‌های کشاورزی در پایین‌دسته رّه رودها و حوضه‌ی آبیاری آن‌ها در حاشیه‌ی آبراهه و شعبات آن؛

۳. شکل‌گیری بازارها و بنادر کوچک در مصب رودهای بزرگ ناورود، کرگان‌رود، لیسار و حویق؛

۴. احداث جاده سراسری تالش در بخش میانی و کوهپایه‌ای جلگه‌ای و متروکه شدن بازارهای ساحلی گردیلستقرار بازارهای محلی در گره‌گاههای جاده و آبراهه‌ی اصلی رودها که ابتدا به تکوین شهر هشتپر مرکز شهرستان تالش منجر گردید و سپس بازارهای دیگر را در جنوب و شمال این شهر ایجاد نمود؛

بازارهای روستایی با توجه به جمعیت حوضه نفوذ و موقعیت‌شان به دو سطح تقسیم شدند، بازارهای بزرگتر اسالم، لیسار، حویق و چوبر که مراکز خرده‌نواحی گردیدند. دوم: بازارهای کوچکتر که مراکز محلی دره‌های مستقل ناحیه را عهده‌دار هستند. بدین ترتیب نظام سکونتگاهی و سازمان فضایی تالش از چهار سطح تشکیل شده است.

الف) شهر ناحیه‌ای هشتپر،

ب) مراکز خرده‌نواحی اسالم، لیسار، حویق و چوبر که معادل با مراکز منظومه‌ها هستند.

پ) مراکز محلی؛ خاله سرا، جوکندان، خطبه سرا که معادل با مرکز دهستان یا مرکز مجموعه هستند.

ت) بازارهای کوچک شیرآباد، هرنندان، پلاسی، لمیر و ویزنه که معادل با مراکز حوزه‌های روستایی می‌باشند.

یادداشت‌ها:

۱. قابلیت‌هایی که فضای چندانی لازم ندارند، مانند تأسیسات تجاری.
۲. فرهنگ آبادی‌های کشور، ستاد مشترک ارتش جلد اول استان یکم، ستاد مشترک ارتش ۱۳۲۸.

منابع و مآخذ:

۱. اجلالی پرویز (۱۳۷۳)، *تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونتگاه‌ها*، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه.
۲. اداره آبیاری شهرستان تالش، خلاصه عملکرد سال ۱۳۸۴.
۳. اصلاح عربانی ابراهیم (۱۳۷۱)، *گیلان در تقسیمات کشوری*، در کتاب *گیلان جلد دوم*، گروه پژوهشگران ایران، وزارت ارشاد اسلامی.
۴. احمدی حسین، تالشان (۱۳۸۰)، *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی*، تهران.
۵. بازن مارسل (۱۳۶۷)، *تالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران*، ترجمه‌ی مظفر امین فرشچیان، آستان قدس.
۶. خراط زبر دست اسفندیار (۱۳۷۸)، *عملکرد شهری در توسعه روستایی*، فصلنامه مسکن و انقلاب شماره ۸۴: ۲۷.
۷. خلعتبری محمدرضا (۱۳۸۳)، *کاوش‌های باستان شناسی در محوطه باستانی تالش*، مریان و تندین، سازمان میراث فرهنگی گیلان.
۸. خودز کو الکساندر (۱۳۵۴)، *سرزمین گیلان*، ترجمه سیروس سهامی انتشارات پیام.
۹. دولفوس اولویه (۱۳۷۳)، *فضای جغرافیایی*، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا مشهد.
۱۰. رایینوه. ل. (۱۳۵۴)، *ولایات دارالمرز ایران گیلان*، ترجمه جعفر خمایی زاده، انتشارات طاعتی رشت.
۱۱. رهنمایی محمد تقی (۱۳۶۹)، *مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی - جغرافیا*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی: ۹۱.
۱۲. سازمان جهاد کشاورزی شهرستان تالش (۱۳۸۴)، *خلاصه عملکرد سال ۱۳۸۴*.
۱۳. ستاد مشترک ارتش (۱۳۲۸)، *فرهنگ جغرافیایی کشور*، جلد یکم.
۱۴. سالنامه‌ی آماری (۱۳۸۴)، *استان گیلان*، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.
۱۵. ستوده منوچهر (به کوشش) (۱۳۶۲)، *حدود العالم*، کتابخانه طهوری.
۱۶. سعیدی عباس (۱۳۸۴)، *روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری (یک بررسی ادراکی)*، در: *جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیایان ایران*، شماره ۱ پاییز و زمستان ۱۳۸۲: ۹۱-۷۱.

۱۷. شیلینگ ژاک (۱۳۷۷)، *جغرافیا چیست؟*، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا.
۱۸. شرکت جهاد تحقیقات آب و آبخیزداری (۱۳۷۸)، *مطالعات جامع مهار سیلاب استان گیلان*، جلد اول، محدوده حوزه تالش.
۱۹. شورای اصناف شهرستان تالش (۱۳۸۴)، *گزارش عملکرد سالانه*.
۲۰. صرافى مظفر (۱۳۶۴)، *سیری در مباحث توسعه فضایی با نگاهی ویژه به طرح آمایش سرزمین*، سازمان برنامه و بودجه.
۲۱. عبداللهی ایرج (۱۳۸۲)، *فراز و فرود شهر کرگانرود، فصلنامه‌ی تحقیقات تالش*، تالش. شماره‌های ۹ و ۱۰ پاییز و زمستان.
۲۲. عظیمی ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی گیلان*، نشر گیلکان رشت.
۲۳. عظیمی ناصر (۱۳۸۱)، *پویش شهری و مبنای شهری*، نشر نیکا مشهد.
۲۴. فومنی عبدالفتاح (۱۳۴۹)، *تاریخ گیلان*، به کوشش منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۲۵. محمودی فرج‌اله (۱۳۷۳)، *سیمای طبیعی و زمین‌شناسی گیلان*، کتاب گیلان جلد اول، پژوهشگران ایران.